

با شنیدن خبر مزدوری و دعاوی ادهم طیبی، هر وجدان آگاه و بیداری به خروشن در می آید و هر فرد انقلابی لا جرم در مقابل آن موضع می گیرد. من بعنوان یک مبارز و یک رزمنده ارتش آزادیبخش، بیان یک نکته را ضروری می دانم و متقاضی انتشار آن هستم:

قبل از هر چیز، فیراز به دامن وزارت اطلاعات و سر در آوردن از اخوز آخوندها مثل روز روشن است. سوال اصلی از این مزدور که سعی میکند افراد را بلای القاب و عناوین پوشالی بپوشاند، اینست که یگو بینیم چگونه یک شبه پس از این همه سوابق که برای خودت تراشیده ای چرخشمداری پیشه کردی؟! علی القاعده با این همه سابقه سازی نمی باید هیچ چیز در درون مجاهدین یا ارتش آزادیبخش برای تو جدید بوده باشد. پس چه شد که این همه سال نه به فکر غلط بودن استراتژی و تاکتیک افتادی و نه از رهبری مقاومت شکایتی داشتی و نه از مناسبات سازمان مجاهدین خلق ایران و ...

بنابر این مأموریت و مزدوری این فرد هیچ تردیدی بر نمی دارد. زیرا اگر بگویند مأمور و طعمه اطلاعات آخوندها نیستیم، با توجه به القاب و عناوینی که خودش عنوان میکند، پس باید بگویند که چیست و کیست؟ وانگهی هم کاسه شدن و هم خانه شدن با مزدوران و مأموران پیشانی سیاه خارجه نشین تصادفی است؟! پرونده سازی کذب از مسائل تشکیلاتی و درون سازمانی مجاهدین چگونه؟ این یکی دیگر کار چه کسی جز یک مزدور وزارت اطلاعات می تواند باشد؟

کسی که نشستهای انتقاد و انتقاد از خود (عملیات جاری) را که یکی از اصول تشکیلاتی هر سازمان انقلابی است، «بیدادگاه» میخوانند و مجاهدان و رزمندگان ارتش آزادیبخش را بعنوان محکومینی که بدون حضور هیئت منصفه و وکیل مدافع محاکمه شده اند، جلوه میدهد، چرا و بخاطر چه کسی و در برابر چه چیزی اینچنین لاطائلات مسخره و احمقانه را عنوان میکند؟

حالا آنکه ما خود شاهد بوده ایم که سازمان مجاهدین خلق ایران از افرادی که نفوذی بوده اند و از طرف وزارت اطلاعات آخوندی فرستاده شده اند نیز، هیچ حسابرسی نکرده و فقط با بیان نام آنها بعنوان مزدور و جاسوس، آنها را آزاد کرده است که این خود نشانگر قدرت سازمان و رهبری مقاومت است و البته هر کس یا هر گروهی را توان این کار نیست.

ابراهیم خدایی
۸۱/۵/۱۲